

بيانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش - 19 / بهمن / 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشامدید عزیزان؛ سرداران و افسران و تلاشگران یک جبهه‌ی بسیار مهم از مجموعه‌ی جبهه‌ی مجاهدت انقلاب! روز نوزدهم بهمن، روز بسیار مهمی در تاریخ انقلاب است. در آن حادثه‌ی بزرگی که اکثر شما جوانها شنیده‌اید و ما آن را به چشم دیدیم، هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی خدائی و اخلاص وجود نداشت؛ به همین جهت هم این حادثه در وقت خود بسیار اثرگذار شد و در تاریخ هم ماندگار گردید. این خصوصیت کار خدائی و مخلصانه است؛ میماند، اثر میگذارد؛ این اثر هم مخصوص همان زمانی که این پدیده واقع شد، نخواهد بود؛ یک اثر مستمر و دائمی است. کار خدائی اینجوری است. آن روزی که جوانهای نیروی هوایی مدرسه‌ی علوی و با امام بیعت کردند و یک سدی را شکستند، یک خطشکنی بزرگ سیاسی کردند، نه پستی در انتظار آنها بود، نه مقامی، نه پولی، نه حتی تحسینی؛ آنچه احتمالاً در انتظار آنها وجود داشت، تهدید بود و خطر. پس هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی خدائی وجود نداشت. آن روز این حادثه‌ی خدائی اثرگذار شد، امروز هم بعد از گذشت سی و یک سال همچنان اثرگذار است. این روزها، روزهای دهه‌ی آخر صفر است؛ روزهای بعد از اربعین است. اگر نگاهی کنیم به تاریخ صدر اسلام، این روزها روزهای زینب کبری (سلام الله عليهما) است. آن کاری هم که زینب کبری (سلام الله عليهما) کرد، یک کار از همین جنس بود؛ یعنی کاری محضًا برای خدای متعال، در دل خطرها و محنتها و زحمتها؛ یک ابراز وجود معنوی و الهی دین در چهره‌ی مصمم زینب کبری (سلام الله عليهما). خوب است بدانیم و بفهمیم حروف تاریخ گذشته‌ی بسیار ارجمندی را که تا امروز منشأ برکات فکری و معرفتی شده است و ان شاء الله تا آخر دنیا هم خواهد بود. زینب (سلام الله عليهما)، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین؛ هم در حادثه‌ی روز عاشورا، آن سختی‌ها و آن محنتها؛ هم در حادثه‌ی بعد از شهادت حسین بن علی (علیه السلام)، بی‌سپنناهی این مجموعه‌ی به جا مانده‌ی کودک و زن، به عنوان یک ولی‌الله آنچنان درخشید که نظیر او را نمی‌شد پیدا کرد؛ در طول تاریخ نمی‌شد نظری برای این پیدا کرد. بعد هم در حادث پی‌درپی، در دوران اسارت زینب، در کوفه، در شام، تا این روزها که روز پایان آن حادث است و شروع یک سرآغاز دیگری است برای حرکت اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی و پیش بردن جامعه‌ی اسلامی. برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری (سلام الله عليهما) در نزد خداوند متعال یک مقامی یافته است که برای ما قابل توصیف نیست.

شما ملاحظه کنید؛ در قرآن کریم، به عنوان یک نمونه‌ی کامل ایمان، خدائی متعال دو زن را مثال می‌زنند؛ به عنوان نمونه‌ی کفر هم دو زن را مثال می‌زنند. «ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح و امرأة لوط كانتا تحت عبدين من عبادنا»؛ (۱) که این دو مثال، مربوط است به زنانی که نمونه‌ی کفرند. یعنی به عنوان نمونه، از مردان مثال نمی‌آورد؛ از زنان مثال می‌آورد؛ هم در باب ایمان. «و ضرب الله مثلاً للذين امنوا امرأت فرعون»؛ (۲) یکی زن فرعون را به عنوان نمونه‌ی کامل ایمان مثال می‌آورد، یکی هم حضرت مریم کبری؛ «و مريم ابنت عمران». یک مقایسه‌ی کوتاه بین زینب کبری و بین همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری را نشان میدهد. در قرآن کریم، زن فرعون نمونه‌ی ایمان شناخته شده است، برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دلسته‌ی آن هدایتی شده بود که موسی عرضه می‌کرد، وقتی در زیر فشار شکنجه‌ی فرعونی قرار گرفت، که با همان شکنجه هم - طبق نقل تواریخ و روایات - از دنیا رفت، شکنجه‌ی جسمانی او، او را به فغان آورد: «اذ قالـت رب ابـن لـى عـندك بـيتـا فـى الـجـنة و نـجـتـى مـن فـرعـون و عـملـه»؛ از خدائی متعال درخواست کرد که پروردگار! برای من در بهشت خانه‌ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ می‌کرد؛ می‌خواست که از دنیا برود. «و نـجـنـى مـن فـرعـون و عـملـه»؛ من را از دست فرعون و عمل گمراه‌کننده‌ی فرعون نجات بده. در حالی که جناب آسمیه - همسر فرعون - مشکلش، شکنجه‌اش، درد و رنجش، درد و رنج جسمانی بود؛ مثل حضرت زینب، چند برادر، دو فرزند، تعداد زیادی از نزدیکان و برادرزادگان را از دست نداده بود و در مقابل چشم خودش به قربانگاه نرفته بودند.

این رنجهای روحی که برای زینب کبری پیش آمد، اینها برای جناب آسمیه - همسر فرعون - پیش نیامده بود. در روز عاشورا زینب کبری این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته‌اند و شهید شده‌اند: حسین بن علی (علیه السلام) - سید الشهداء - را دید، عباس را دید، علی‌اکبر را دید، قاسم را دید، فرزندان خودش را دید، دیگر برادران را دید. بعد از شهادت، آن همه محتتها را دید: تهاجم دشمن را، هتك احترام را، مسئولیت حفظ کودکان را، زنان را.

عظمت این مصیبتها را مگر می‌شود مقایسه کرد با مصائب جسمانی؟ اما در مقابل همه‌ی این مصائب، زینب به پروردگار عالم عرض نکرد: «ربّ نجّنی»؛ نگفت پروردگار! من را نجات بده. در روز عاشورا عرض کرد: پروردگار! از ما قبول کن. بدن پاره پاره‌ی برادرش در مقابل دست، در مقابل چشم؛ دل به سمت پروردگار عالم، عرض می‌کند: پروردگار! این قربانی را از ما قبول کن. وقتی از او سؤال می‌شود که چگونه دیدی؟ می‌فرماید: «ما رأیت الا جميلا». (3) این همه مصیبت در چشم زینب کبری زیباست؛ چون از سوی خداست، چون برای اوست، چون در راه اوست، در راه اعلای کلمه‌ی اوست. ببینید این مقام، مقام چنین صدری، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسمیه نقل می‌کند. این، عظمت مقام زینب را نشان میدهد. کار برای خدا اینجور است. لذا نام زینب و کار زینب امروز الگوست و در دنیا ماندگار است. بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه‌ی پیمودن این راه به وسیله‌ی بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی (علیه السلام) کرد و کاری که زینب کبری کرد. یعنی آن صبر عظیم، آن ایستادگی، آن تحمل مصائب و مشکلات موجب شد که امروز شما می‌بینید ارزشهای دینی در دنیا، ارزشهای رائج است. همه‌ی این ارزشهای انسانی که در مکاتب گوناگون، مطبق با وجودان بشری است، ارزشهایی است که از دین برخاسته است؛ اینها را دین تحويل داده است. کار برای خدا خاصیتش این است.

از جنس همین کار، کار انقلاب بود؛ لذا انقلاب ماندگار شد، ثبات و اقتدار معنوی و حقیقی پیدا کرد، دوام پیدا کرد. این انقلاب، انقلابی بود برای خدا. آن روزی که این انقلاب آغاز شد، این نهضت به وجود آمد، مثل نهضت احزاب نبود، مثل حرکت سیاسی حزب‌های دینی در دنیا، ارزشهای رائج است. همه‌ی این ارزشهای انسانی که در احکام الهی، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی، برای استقرار عدالت در جامعه. آن کسانی که مجاهدت کردند تا انقلاب به پیروزی رسید، و آن کسانی که پای این انقلاب ایستادند و مجاهدت کردند تا این ثبات و دوام را پیدا کرد، نیتهای خالصان بود. شهداًی شما، شهداًی نیروی هوائی، از این قبیل بودند. شهداًی نیروهای مسلح، همه‌ی از این قبیل هستند. آن کسانی که برای خدا کار کردند، برای خدا تلاش کردند، خداوند هم به کارشان برکت داد. چیزی که دشمن انقلاب آن را نمی‌تواند درک کند، همین نکته است. چیزی که دستگاههای استکبار و صهیونیسم نمی‌توانند بفهمند، همین مسئله است. نمی‌توانند بفهمند که استحکام این بنا به خاطر این است که برای خداست، بر پایه‌ی اخلاص بنا شده است و با مجاهدت پیش رفته است. لذا انقلاب و نظام اسلامی دلها را تسخیر می‌کند.

شما نگاه کنید ببینید امروز چند هزار رسانه، اعم از صوتی و تصویری و انواع و اقسام رسانه‌های گوناگون، با مدرنترین شیوه‌ها علیه این نظام دارند کار می‌کنند. صدھا مغز و فکر در اتقاھای فکر نشسته‌اند؛ هر روزی یک حرفی، یک شعراًی، یک فکری، یک ترفندی علیه این انقلاب دارند طراحی می‌کنند؛ اما نمی‌توانند به انقلاب و نظام اسلامی صدمه‌ای وارد کنند. این برای چیست؟ استحکام این بنا به خاطر بنا شدن بر اصل ایمان به خداست. آن کسانی که در این راه حرکت کردند، کار خدائی کردند.

این نظام، شبیه نظامهای دیگر نیست. امروز هیچ نظامی در دنیا نیست که این همه علیه او کار تبلیغاتی بکنند، کار سیاسی بکنند، فشار اقتصادی وارد کنند، تحریم وارد کنند و او بتواند اینجور مستحکم باشد؛ چنین چیزی در دنیا وجود ندارد. اما این نظام ایستاده است، بعد از این هم خواهد ایستاد؛ این را همه بدانند. نه آمریکا، نه صهیونیسم، نه مجموعه‌ی مستکبران و زورگویان عالم، نه با وسائل سیاسی، نه با وسائل اقتصادی، نه با تحریم، نه با تهمت، نه با تحریک ایادي خود در داخل، نخواهند توانست اندکی این انقلاب را بزرگانند.

راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمانهاست؛ اتکای به خداست. لذا شما می‌بینید آن روزی که توده‌ی عظیم مردم در سرتاسر کشور احساس کنند که دشمنی‌ای متوجه انقلاب است، احساس کنند که دشمنی جدی‌ای وجود دارد،

بدون فراخوان حرکت میکنند می آیند. روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه‌ای پیش آمد. دشمنان انقلاب که همیشه سعی میکنند راهپیمانی‌های میلیونی را بگویند چند هزار نفر آمده‌اند - تحقیر کنند، کوچک کنند - اعتراف کردند و گفتند در طول این بیست سال، هیچ حرکت مردمی‌ای به این عظمت در ایران اتفاق نیفتاده است؛ این را نوشتند و گفتند. آن کسانی که سعی در کتمان حقائق درباره‌ی جمهوری اسلامی دارند، این را گفتند. علت چیست؟ علت این است که مردم وقتی احساس میکنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکت ایمانی است، این حرکت قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدائی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدائی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال اینجور دفاع میکند. لذا میفرماید: «انَّ اللَّهَ يَدْافِعُ عَنِ الظَّالِمِينَ».^{۴)} (۴) این را دشمنان نظام اسلامی نمیفهمند، تا امروز هم نفهمیدند؛ لذا تحريم میکنند، حرف میزنند، روشهای گوناگون را به کار میگیرند، به خیال خودشان میگردند نقطه ضعف برای جمهوری اسلامی پیدا کنند؛ گاهی اسم حقوق بشر را می‌آورند، گاهی اسم دموکراسی را می‌آورند؛ ترفندهایی که امروز برای مردم دنیا حقیقتاً ترفندهای مسخره است. میگویند افکار عمومی؛ اما افکار عمومی اگر این حرفها را از آمریکا و صهیونیسم باور میکرد، اینجور در دنیا، در کشورهای مختلف، ملت‌های مختلف، در موقع گوناگون، نفرت خودشان را از این سران مستکبر نشان نمیداند، که می‌بینید نشان میدهند. هر جا سفر میکنند، گروهی از مردم علیه‌شان شعار میدهند. پیداست که افکار عمومی دنیا فریب ترفندهای اینها را نخورد است.

آن کسانی دم از حقوق بشر میزنند که اولی‌ترین حقوق انسانها را، هم در زندانهایشان، هم در تعامل‌شان با ملت‌ها، و حتی با ملت خودشان زیر پا لگدکوب میکنند! اینها میگویند حقوق بشر! شکنجه را قانونی میکنند! این افتضاح نیست برای یک کشور؟ این مایه‌ی سرافکندگی نیست که یک کشوری شکنجه‌ی زندانیان را قانونی بکند و به شکل قانون در بیاورد؟ آن وقت اینها دم از حقوق بشر میزنند، دم از دفاع از حرمت انسان و کرامت انسان میزنند! خوب، بینندگان و شنوندگانی که در دنیا این حرفها و این ادعاهای را می‌بینند و میشنوند و آنها را با آن رفتارهایی که میدانند، مقایسه میکنند، اینها را مسخره میکنند. کی این چیزها را از اینها باور میکند؟

دم از دموکراسی میزنند؛ اما با مستبدترین و ارتجاعی‌ترین حکومتها در گوش و کnar دنیا - از جمله در منطقه‌ی ما - عقد اخوت میبنند! امروز رژیمهایی که بیشتر مرتبط با آمریکا هستند، در منطقه‌ی خاورمیانه کی هایند؟ در شمال آفریقا کی هایند؟ از آنها مستبدتر وجود دارد؟ دم از دموکراسی میزنند؛ آن وقت با جمهوری اسلامی - این مردم‌سالاری درخشنان که قدرت این را دارد که هشتاد و پنج درصد از صاحبان رأی را به پای صندوق رأی بکشاند - به عنوان دموکراسی در بیفتند! خوب، این مسخره است؛ این را همه میفهمند. بینندگان عالم، کسانی که میفهمند و قضایا را میدانند، این رویکرد آمریکائی را استهzae میکنند.

ملت ایران، ملت هوشمندی است؛ ملت هوشیاری است؛ تجربه کرده است. این قضایا مال امروز هم نیست برادران عزیز! عده‌ای از شماها به یاد دارید، جوانها هم بدانند؛ سی و یک سال است که این ماجرا بین دستگاه‌های استکبار و ملت ایران در جریان است. این قضایا مال امروز نیست؛ هم این تهدیدهایشان که همیشه ناکام مانده، هم تحریمهایشان، هم بدگوئی‌هایشان، هم تهمتهاشان. جمهوری اسلامی در فضای بمباران تبلیغاتی، اینچنین توانسته به این پیشرفتها دست پیدا کند. امروز نیروی هوائی شما با نیروی هوائی اول انقلاب قابل مقایسه نیست. مهارت‌های امروز شما، توانایی‌های امروز شما، تجهیزات امروز شما، پیشرفت‌های نیروی انسانی، ابتکارهای گوناگون، با اول انقلاب قابل مقایسه نیست؛ با بیست سال قبل هم قابل مقایسه نیست.

ما روزبه روز پیش رفتیم؛ همه بخش‌های کشور همین جور است. این کشوری که امروز آن توانایی‌های موشکی اش است، آن توانایی‌های زیست‌شناسی اش است، آن توانایی‌های هسته‌ای اش است، آن توانایی‌های لیزری اش است - که میدانید و شنیدید و اطلاع دارید - و در بخش‌های گوناگون، توانایی‌هایش با این عظمت و با این درجه‌ی از اهمیت است، همان کشوری است که در اول انقلاب، ساده‌ترین تجهیزات را بایستی وارد میکرد؛ باید از این و آن و ام

میگرفت؛ باید ابتدائی ترین امکانات را از دیگران میخربید، و نمیفروختند؛ باید به چند برابر قیمت میخربید، و تهییدست بود. امروز این همان ارتش است، این همان نیروهای مسلح است، این همان مجموعه است، این همان نیروی هوائی است که امروز به این پیشرفتها نائل شده است، و همان مجموعه های گوناگون دانشگاهی و علمی و پژوهشی و فناوری است که به اینجا رسیده است. زیر بمباران همین دشمنی ها و تهدیدها و تحريمها ما به اینجا رسیدیم. ملت ایران را از تحريم میترسانید؟

آنچه که مهم است، این است که ملت عزیز ما اتحاد خود را حفظ کنند، وحدت کلمه را حفظ کنند. این وحدت کلمه، خاری در چشم دشمنان است. سعیشان این است که وحدت کلمه ملت را به هم بزنند. به گمان من مهمترین هدف از حوادث دوران فتنه‌ی بعد از انتخابات - این چند ماه - این بود که بین آحاد ملت شکاف بیندازند؛ سعیشان این بود. میخواستند بین آحاد مردم شکاف بیندازند، و نتوانستند. امروز معلوم شده است که آن کسانی که در مقابل عظمت ملت ایران، در مقابل کار بزرگ ملت ایران در انتخابات ایستادند، آنها بخشی از ملت نیستند؛ افرادی هستند یا ضد انقلاب صریح، یا کسانی که بر اثر جهالت خود، بر اثر لجاجت خود، کار ضد انقلاب را میکنند؛ ربطی به توده‌ی مردم ندارند. توده‌ی مردم راه خود را ادامه میدهد؛ راه خدا را، راه اسلام را، راه جمهوری اسلامی را، راه پیاده کردن احکام الهی را، راه رسیدن به عزت و استقلال در پناه اسلام را. ملت حرکتش اینجوری است.

البته یک عده‌ای از اول با این مخالف بودند. یک عده‌ای از اول مایل بودند که آمریکا بر سلطه و سیطره‌ی ظالمانه‌ی خود بر این کشور برگرد؛ دنبال این بودند، الان هم پنهان نمیکنند. کسانی در بیرون کشورند، عواملی هم در داخل هستند؛ در این شکی نیست. فرزندان کسانی که از این انقلاب زخم خوردند، فرزندان کسانی که مزدوری رژیم طاغوت را کردند، اینها که از بین نرفتند؛ اینها هستند. همان کینه‌های سی ساله، امروز هم وجود دارد؛ از اول هم بوده است. از اول انقلاب بودند، امروز هم هستند، بعد از این هم خواهند بود. یک عده‌ای هم هستند که از اساس با حاکمیت اسلام مخالفند، با فقه مخالفند؛ چه برسد با فقیه. مسئله آنها، مسئله‌ی اسلام است. لیکن اینها همه افرادی هستند که مجموعه‌ی کوچکی را تشکیل میدهند.

این ملت عظیم، این عظمت ملی، در جهت اسلام، برای خدا، در راه خدا، با هم متفقند؛ حرفشان یکی است، دلشان یکی است؛ ولو سلائق سیاسی‌شان ممکن است مختلف باشد. این وحدت را میخواهند به هم بزنند. و ملت ایستاده است. روز بیست و دوی بهمن ان شاء الله به حول و قوه‌ی الهی ملت عزیز ایران نشان خواهد داد که چگونه با اتحاد خود، با وحدت کلمه‌ی خود، آنچنان مشتی به دهان همه‌ی مستکبرین، به آمریکا، به انگلیس، به صهیونیستها خواهد زد که باز هم مثل گذشته اینها را مبهوت کند.

جمهوری اسلامی راه خودش را - راه عزت در سایه‌ی اسلام، امنیت در سایه‌ی اسلام، عدالت در سایه‌ی اسلام، مردم‌سالای در سایه‌ی اسلام و برخاسته‌ی از اندیشه‌ی اسلامی - ادامه خواهد داد و بدون هیچ تردیدی، بدون هیچ سستی‌ای پیش خواهد رفت و نسلهای آینده قضاوت خواهند کرد. و بدانید؛ جوانهای امروز ما و نسلهای بعد از اینها خواهند آمد، با تجربه‌ی عظیم انباشته‌ی در دل این ملت در مواجهه‌ی با استکبار، و راه قله‌ها را ادامه خواهند داد و به این قله‌ها هم خواهند رسید. ملت ایران، شایسته‌ی رسیدن به قله‌های است. ملتی که هوشمند است، دارای ابتکار است، دارای ایمان است، وقتی این ملت آزادی ناشی از اسلام را که انقلاب به ما عطا کرده است، داشته باشد، اینچنین ملتی در سیر خود، در حرکت خود، هیچ جا متوقف نخواهد شد. ان شاء الله این روز را شما جوانها خواهید دید. شما باید همت کنید. شما در بخش خودتان، و همه در بخش‌های خودشان، تلاش کنند، همت کنند.

نیروی هوائی - همان طور که فرمانده محترم نیرو گزارش دادند - پیشرفت‌های خوبی داشته است؛ ما هم از پیشرفت‌های خوب نیروی هوائی در بخش‌های مختلف مطلعیم؛ لیکن در عین حال هیچ توقفی جایز نیست. به وضع موجود قناعت نکنید. ابتکارها را به کار بیندازید. شما شایسته‌ی بیش از این هستید، و ملت شما شایسته‌ی نیروی هوائی حتی مقدتر از این است. این مجموعه‌ی نیروهای مسلح - از جمله نیروی هوائی - باید بتوانند عزت ملت ایران را، استحکام ملت ایران را مشخص کنند و نشان بدهند؛ مظہری باشند از ایستادگی و اقتدار این ملت، که ان شاء الله همین جور هم خواهد شد.



امیدواریم خداوند متعال شهدای عزیز نیروی هوایی و ارتش جمهوری اسلامی ایران و مجموعه‌ی نیروهای مسلح و همه‌ی شهدای عزیز را با اولیائشان محسور کند و روح مطهر امام بزرگوار ما را که این روزها غالباً ملت ایران بیش از دیگر ایام، آشنا و مأнос و دلگرم به یاد و خاطره‌ی آن بزرگوار و عزیز هستند، با اولیائش محسور کند و قلب مقدس ولی‌عصر ان شاء الله از همه‌ی شما راضی باشد.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

1) تحريم: 10

2) تحريم: 11

3) بحار الانوار؛ ج 45، ص 116

4) حج: 38